

خاطرات همسر شهید

«در روزهای جبهه و جنگ برنامه «خراسان در جبهه» از رادیو پخش می‌شد. من در اتاقم بودم که صدای جواد را از رادیو شنیدم. حال عجیبی داشتم و خیلی خوشحال شدم. به محض اینکه مصاحبه او تمام شد، خودش تماس گرفت و من با خوشحالی به او گفتم که صدایش را از رادیو شنیدم. جواد خندید و با حالت خاصی گفت: «این آخرین بار است که می‌توانم تماس بگیرم اما خوب است. اگر نباشم، صدایم هست که به یادگار بماند... آن تماس، آخرین تماسی بود که با جواد داشتم و بعد از آن دیگر، هرگز نتوانستم با جواد صحبت کنم.»



کتاب: هدیه سردار به آشنایان

یکی از هم‌زمان شهید جامی در گوشه‌ای از خاطراتش می‌گوید: «جواد صلور حم را به بهترین نحو انجام می‌داد و همه ما را نیز به این امر تشویق می‌کرد. می‌گفتند خدا و پیامبر به این امر بسیار سفارش کرده‌اند و بر شما این کار واجب است. جالب است که جواد هر زمان برای صلور حم به منزل دوست و آشنای رفت، برای اهل خانه کتاب هدیه می‌برد. می‌گفتند کتاب هدیه بدهید که بهترین راهنماست.»



خورشیدی و پرت کردن خودش به وسط پد خندق، توانست خط دشمن را بشکند. بقیه رزمندگان از راهی که جواد جامی باز کرده بود، واردید شدند.

شود، هنگام خدا حافظی گفت خداوند قرار است از تو امتحان بزرگی بگیرد. صبور باش و از این امتحان سر بلند بیرون بیا. می‌دانستم که این رفتن دیگر بازگشتی ندارد. بعدها شنیدم یکی از هم‌زمانش را در حرم مطهر دیده‌ام و او خواسته است تا برایش آرزوی شهادت کند. در واقع شهید جامی به هر کسی می‌رسید، از او می‌خواست که برای شهادتش دعا کند.»

ماجرای بلندگودر بدر

قبل از عملیات بدر، جلسه‌ای برگزار شد. در این جلسه، جانشین لشکر با فرماندهان گردان‌ها و گروهان‌ها به گپ و گفت و تبادل نظر و مرور نقشه جنگ پرداخت. جواد جامی در این جلسه که فیلمش هم موجود است، نحوه حضور گردان فلق در بدر را توضیح می‌دهد. او در این جلسه پیشنهاد می‌کند در عملیات به فرماندهان گردان‌ها و گروهان‌ها بلندگوی دستی داده شود تا وقتی به مواضع دشمن رسیدند، اول با عراقی‌ها صحبت کنند. شاید عراقی‌های حاضر در جنگ، فریب خورده باشند. در این عملیات، جواد جامی هم یک بلندگوی دستی به همراه دارد.

دلیر عملیات بدر

عملیات بدر دومین عملیات آبی خاکی بود. هدف این عملیات، دستیابی به جاده‌ای به نام «پد خندق» بود که عراقی‌ها روی هور ساخته بودند. جاده خندق ۱۳ متر طول و ۷ متر عرض داشت. عملیات بدر ساعت ۱۱ شب ۱۹ اسفند با رمز یا فاطمه الزهرا (س) شروع شد. قرار بود که گردان یاسین و الحدید از بالای جاده به همراه لشکر ۵ نصر وارد عمل شوند. از پایین جاده هم گردان فلق به فرماندهی جواد جامی وارد عمل شود. رزمندگان هور به سمت جاده حرکت می‌کنند اما به کمین دشمن می‌خورند.

در این عملیات، موج اول بلم‌سوارها با سه نیروی غواص به آرامی به جاده رسیدند. در موج دوم چینه‌کوها قرار داشتند که بنا بود پارو زان به بلم‌ها برسند. بعد از آن قایق‌های تندرو (قایق عاشورا) قرار داشت که به بلم‌ها و چینه‌کوها ملحق می‌شد. رزمندگان پس از رسیدن به پد خندق، به کمین دشمن خوردند. عراقی‌ها کنار پد خندق، خورشیدی ایجاد کرده بودند. خورشیدی مواعی بود که عراقی‌ها سر راه رزمندگان ایجاد می‌کردند. پس از موانع خورشیدی، عراقی‌ها با چهار لول که سلاحی خودکار بود و با آن هواپیماهای جنگی می‌زدند، به رزمندگان ماشلیک می‌کردند. در میان آب، جای دفاعی برای رزمندگان نبود. وسط هور تنها بلم و قایق، جان‌پناه رزمندگان بود. رزمندگان توانستند چهار لول‌ها را خاموش کنند. وقتی چهار لول‌ها خاموش شد، گردان فلق به فرماندهی جواد جامی اولین گردانی بود که با کوبیدن قایق‌های تندرو به

رسیدن به آرزو، قبل از دیدن ثمره از دواج

آخرهای زمستان، زمانی که زمستان می‌رفت تا بهار دوباره از راه برسد، بهار سردار جامی فرارسید؛ درست زمانی که همسر سردار شهید خانه را برای عید رنگ می‌کرد و برای کاشتن گل در باغچه منزل آماده می‌شد. فرمانده رشید مشهدی بعد از چهار بار مجروح شدن و ترکش‌های زیادی که در بدن داشت، اسفند ۱۳۶۳ به آرزویش یعنی شهادت رسید. همسر شهید در باره شهادت او می‌گوید: «روز بعد از شهادتش، تنها دخترش زینب به دنیا آمد؛ دختری که پدر را در عکس‌های بیند.

فرازی از وصیت‌نامه شهید جامی خراسانی

در فرازهایی از وصیت‌نامه شهید آمده است: «برادران و خواهران! امروز اسلام در لحظه خاصی از تاریخ قرار گرفته است. تمامی اسلام در مقابل تمامی کفر است و خداوند متعال، حجتش را بر ما تمام کرده است و خون شهید دیگر نقطه ابهام و تردیدی برای ما باقی نگذاشته است. اگر خدای ناکرده در انجام مسئولیت‌هایمان که ادامه دادن راه شهدا و حفظ اسلام و دادن آن به صاحب‌اصلی‌اش، امام‌زمان (عج) است، کوتاهی کنیم، در قیامت جلوی ما را خواهند گرفت.»

چهره خندان بر روی دیوار منطقه

در حاشیه این گزارش، تماسی با نقاش تصاویر شهید گرفتیم؛ نقاشی که چهره جواد جامی را ترسیم کرده است. شفیع، نقاش مشهدی، ضمن تشکر از خانواده شهید که در طول اجرای این نقاشی با او همکاری بسیاری کرده‌اند، گفت: ابتدا که این نقاشی را شروع کردم، واکنش خاصی از سوی اهالی محل و شهر و ندان احساس نکردم اما بعد از اینکه چهره شهید را به‌خند زبایش ترسیم‌شده، شاهد بودم که هم‌اهالی محل و هم‌همه کسانی که ما را در حین اجرای این نقاشی می‌دیدند، تا چه اندازه با شهید ارتباط گرفته‌اند و به ما خداقوت می‌گویند.

